

رخداد‌های سال ۱۳۸۸ و امنیت هستی‌شناختی در جمهوری اسلامی ایران (حوادث پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری)

محسن باقری^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۲۸

محمود بابایی^۲

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۲۴

یحیی کمالی^۳

چکیده

امنیت فیزیکی تنها امنیت مورد نیاز دولتها نیست بلکه تأمین امنیت هستی‌شناسانه نیز برای دولتها ضروری به نظر می‌رسد. انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات که ارمغان عصر جدید است، امنیت "خود" را مورد تهدید قرار داده، از این‌رو پژوهشها در این حوزه‌ها باید مورد توجه دولتها قرار گیرد. این پژوهش با استفاده از رویکرد نظری امنیت هستی‌شناختی گیدنز و روش توصیفی تحلیلی ضمن تشریح مفهوم بحران و بحرانهای جمهوری اسلامی ایران به بررسی تهدیدهای هویتی حوادث پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری با رویکرد امنیت هستی‌شناختی گیدنز می‌پردازد و می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که چرا تهدیدهای فتنه سال ۱۳۸۸ موفقیت چندانی نداشت. ترس از تغییر و تحول هویتی یا به عبارتی دیگر حفظ امنیت هستی‌شناختی که با مؤلفه‌های اسلامی - ایرانی عجین شده بود، عامل اصلی عدم موفقیت تهدیدهای این وضعیت بحرانی است. هم‌چنین در مسئله مواجهه با رهبران فتنه با رویکرد مناقشات پایدار امنیت هستی‌شناختی روشن می‌شود تا وقتی نظام اعتماد پایه اطمینان بخش اولیه به وجود نیاید، این مناقشه پایدار خواهد بود. یافته اصلی پژوهش نشان داده تا وقتی هویت و خود انقلاب اسلامی در باورها، اعتقادات و ارزشهای اسلامی ایرانی ریشه دارد، بقای جمهوری اسلامی تضمین خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: امنیت هستی‌شناختی، وضعیت بحران، حوادث انتخابات دهم ریاست جمهوری، مناقشه پایدار، جمهوری اسلامی ایران، فتنه.

m.baqerij72@gmail.com

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

babaie.isu@uk.ac.ir

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

yahyakamali@uk.ac.ir

۳. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

رخداد‌های سال ۱۳۸۸، نتیجه انقلاب ارتباطات و صورت‌بندی‌های نظم نوین جهانی است که با پیدایی آشوبها و بحران‌های نوین، سطوح ملی و فروملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. نگاهی موشکافانه به تاریخ چند دهه اخیر جمهوری اسلامی ایران، وضعیت‌های بحرانی پیدا و پنهانی را آشکار می‌کند که در نتیجه سرعت زیاد تحولات ناشی از انقلاب ارتباطات و صورت‌بندی‌های نظم نوین جهانی است یا اینها سهم بسزایی در شکل‌گیری و ادامه آن دارد و از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون در معرض تهدیدهای سخت و نرم وضعیت بحرانهای گوناگونی قرار گرفته است. اوج این‌گونه تهدیدهای نرم، که موجب به وجود آمدن وضعیت بحرانی چند ماهه‌ای در جمهوری اسلامی ایران شد به پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ مربوط است.

این مقاله کوشش می‌کند ضمن تشریح مفهوم بحران و وضعیت‌های بحرانی جمهوری اسلامی ایران به این سؤال پاسخ دهد که چرا تاکنون وضعیت‌های بحرانی بویژه تهدیدهای حوادث پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران موفقیت چندانی نداشته است. می‌توان گفت حفظ امنیت هستی‌شناسانه که در باورها، اعتقادات و ارزشهای جامعه ایرانی ریشه دارد، عامل اصلی کنترل رخداد‌های پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ است.

با عنایت به اینکه وضعیت‌های بحرانی جمهوری اسلامی ایران بیشتر، تلاشهای غرب برای براندازی جمهوری اسلامی ایران بود، تبیین علل عدم موفقیت این‌گونه تهدیدها در مقابل انقلاب اسلامی از دید تبیین آنها برای پیدا کردن راهکارهای مقابله با چنین وضعیت‌هایی از موضوعات قابل توجهی است که این مقاله در پی بررسی این موضوع است؛ هم‌چنین تبیین مفهوم بحران از حیث درک، فهم، شناخت و راه‌های جلوگیری از آن به حل مباحث حیاتی و حساس دولت کمک بسزایی خواهد کرد؛ اما به‌رغم ضرورت این‌گونه تبیین‌سازیه‌ها، متأسفانه از لحاظ مفهوم‌سازی و مبانی نظری درباره وضعیت‌های بحرانی جمهوری اسلامی ایران بویژه انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری، که نقطه شروع

تاریخ دیگری برای جمهوری اسلامی ایران است، تلاش چندانی برای آگاه‌سازی و احساس خطر امنیت هویتی ایرانیان صورت نگرفته که این پژوهش به دنبال این است هر چند اندک باشد. آنچه در این پژوهش مدنظر است، بررسی تهدیدهای وضعیت بحرانی سال ۱۳۸۸ به عنوان ارائه الگوی امنیت هستی‌شناختی برای حل مباحث حیاتی و حساس در محافل علمی و نهادهای امنیتی ذی‌ربط است. از جنبه‌های نوآوری این پژوهش می‌توان به جدید بودن موضوع مطالعاتی اشاره کرد. هدف کلی این پژوهش ترسیم الگویی است که امنیت هستی‌شناسانه را همواره عامل اصلی تأمین‌کننده بقای جمهوری اسلامی ایران در برابر وضعیت‌های بحرانی بداند و نشان دهد تا وقتی هویت و خود انقلاب اسلامی در باورها، اعتقادات و ارزشهای اسلامی- ایرانی ریشه دارد، بقای جمهوری اسلامی تضمین خواهد بود. از دیگر اهداف این تحقیق می‌توان به تبیین مسئله مناقشه پایدار حصر از دید امنیت هستی‌شناختی (نظام اعتماد پایه) اشاره کرد و گفت حصر دو تن از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، که در حوادث پس از انتخابات نقش داشتند به مسئله امنیت هستی‌شناسانه گره خورده است و جمهوری اسلامی ایران با پذیرش آسیبهای حصر، همواره این مناقشه پایدار را برای اهداف بالاتر آن، یعنی تأمین امنیت هستی‌شناختی خود می‌داند.

در این پژوهش از رویکرد نظری امنیت هستی‌شناختی گیدنز و روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. امنیت هستی‌شناختی منازعات و مناقشات پایدار را تحلیل می‌کند؛ منازعات و مناقشاتی که ممکن است منافع فیزیکی و رئالیستی کشورها را به خطر بیندازد؛ اما امنیت هویتی آنها را از طریق حفظ شرافت فردی و ملی، نگاه غرورآمیز به مسائل داخلی و بین‌المللی و پرهیز از شرم تضمین می‌کند (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

پیشینه تحقیق

منابعی را که درباره کلیت موضوع نوشته شده است، می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

دسته اول، منابعی که در زمینه وضعیت‌های بحرانی جمهوری اسلامی ایران بویژه حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ نوشته شده است. از همین حیث اشرافی

(۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی علل و زمینه‌های وقوع انقلاب رنگی در ایران با استفاده از رویکرد نظری انقلاب‌های رنگین و روش توصیفی تحلیلی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زمینه‌هایی برای تکرار حوادث گرجستان، قرقیزستان و اوکراین در ایران نیز وجود داشت؛ اما به دلایل مهمتر و اساسی‌تر، که در تفاوت‌های انقلاب اسلامی با دیگر جمهوریها ریشه دارد، انقلاب رنگی شکست خورد (اشرافی، ۱۳۹۴: ۹۳). هم‌چنین اسماعیلی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان شورش اشرافیت بر جمهوریت به ریشه‌یابی حوادث پس از انتخابات با روش توصیفی تحلیلی و نگاه نظری انقلاب رنگی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دولت‌های بیگانه و مخالفان خارج‌نشین در آشوب آفرینی‌ها نقش بسزایی داشته‌اند و هم‌چنین بررسی نوع وقوع رخدادها، زمینه شکل‌گیری و اهداف آنها، حاکی از وقوع انقلاب رنگی یا رادیکالیسم سبز در ایران است (اسماعیلی، ۱۳۸۹). هم‌چنین اخوان (۱۳۸۹) در پژوهشهایی (مجموعه کتاب) تحت عنوان عبور از فتنه (۱، ۲، ۳) به بررسی جامعی از رخداد‌های ۱۳۸۸، چرایی و چگونگی از اوج تا زوال آنها می‌پردازد. بررسی حوادث پس از انتخابات نشان می‌دهد که طرح‌های تقلب، اتهام به نظام (تجاوز، شکنجه، قتل‌های رسانه‌ای شده)، اسم رمز برای اردوکنشی‌های خیابانی بوده است تا با هتک حرمت نسبت به ارزش‌های دینی همچون روز عاشورا، حضرت امام، ولایت فقیه و حاکمیت قانون و شعارهای هنجارشکنانه با قانونگریزی، نظام جمهوری اسلامی را به ابطال انتخابات مجبور بکنند (اخوان، ۱۳۸۹، ج ۲).

دسته دوم منابعی که درباره امنیت هستی‌شناختی نگاشته شده است. یکی از پیشگامان و نظریه‌پردازان امنیت هستی‌شناختی آنتونی گیدنز (۱۳۹۳) است که در کتابی تحت عنوان تجدد و تخصص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید به امنیت هویت در عصر تجدد می‌پردازد. نویسنده هویت را پاسخ به پرسش‌های بنیادین "خود"، فهمیدن اینکه که هستیم؛ چه بکنیم و چرا چنین بکنیم؟ می‌داند. نگارنده در این پژوهش به چگونگی صورتبندی هویت در دنیای جدید می‌پردازد و عقیده دارد برای جلوگیری از تغییر هویت در عصر جدید، حفظ امنیت هستی‌شناسانه خود با قبول خطرهای فیزیکی ضروری است. به عقیده نگارنده نظام اعتماد پایه (مجموعه مؤلفه‌های هویت‌ساز) مانند پيله محافظ، "خود"

عصر تجدد را حفظ می‌کند (گیدنز، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۱۱۲). هم‌چنین دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی حفظ هویت اسلامی ایرانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با چهارچوب نظری امنیت هستی‌شناسی گیدنز و روش توصیفی تحلیلی پرداختند. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت منازعه ایران با امریکا برای حفظ هویت اسلامی و انقلابی است؛ چرا که یکی از مؤلفه‌های هویتی انقلاب اسلامی اساس مبارزه با استکبار است. هم‌چنین مناقشه پایدار و اصرار جمهوری اسلامی ایران در زمینه مسئله هسته‌ای نیز برای به‌دست آوردن حفظ احترام و عزت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۱: ۱۹-۲۱).

دسته سوم منابعی در زمینه مؤلفه‌های هویتی ایرانیان نگاشته شده است. حاجیانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به تشریح عوامل و زمینه‌هایی که بر شکل‌گیری هویت ملی ایرانیان نقش دارد با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و رویکرد نظری تعامل‌گرای نمادین می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌ها و هویت ملی ایرانیان دارای سابقه دیرینه و طولانی است که نمی‌توان آن را به زمان محدود کرد. مهمترین این مؤلفه‌ها، که هویت ایرانی را می‌سازد، اعتقاد به پروردگار یگانه، تفکر جهانی و اندیشه حکومت جهانی، میهن‌پرستی، مهربانی و صلح، شهادت‌طلبی، ایثار و از خودگذشتگی است (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۹-۱۱ و ۲۸-۳۳).

درباره شباهتها و تفاوت‌های این پژوهش با پژوهشهای دیگر می‌توان گفت برخلاف نگاه تکراری بیشتر پژوهشها به حوادث پس از انتخابات سال ۱۳۸۸، این پژوهش نگاه جدید و متفاوت از پژوهشها به این حوادث دارد. در بعضی از مطالعات، تحلیلهای رویکرد نظری تحقیق ارزشگذاری شده است. هم‌چنین بعضی پژوهشها در نتیجه‌گیری و بعضی دیگر در ارائه راهکارها و پیشنهادها ضعیف است. این پژوهش می‌کوشد به دور از هرگونه ارزشگذاری و جانبداری به واکاوی علمی حوادث، مبتنی بر هویت وجودی نظام جمهوری اسلامی ایران بپردازد. منابعی که تاکنون درباره انتخابات ریاست جمهوری دهم نوشته شده با رویکرد نظری انقلابهای رنگین بوده، هم‌چنین منابعی که تاکنون در مورد امنیت هستی‌شناختی نگاشته شده، بیشتر حول محور سیاست خارجه است؛ اما این

پژوهش با رویکرد نظری امنیت هستی‌شناختی به حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم نگاه جدیدی دارد. شباهت‌های پژوهش مورد مطالعه با پژوهش‌های قبلی در استفاده از روش تحلیل داده‌ها (توصیفی تحلیلی) و در بعضی دیگر استفاده از رویکرد نظری‌گیدنز است.

این مقاله در یک مقدمه، پنج بخش و نتیجه‌گیری پایانی تنظیم شده است. در بخش اول به مباحث نظری پرداخته می‌شود. در بخش دوم با تشریح و تبیین مفهوم بحران، ویژگی بحران‌های معاصر جمهوری اسلامی ایران بیان خواهد شد. سپس در بخش سوم به تشریح منابع هویت‌ساز جمهوری اسلامی ایران در سطح فردی و ملی پرداخته می‌شود. در بخش چهارم تهدیدهای هویتی در سطوح ملی و فراملی نشأت گرفته از حوادث پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ بررسی خواهد شد. در بخش پنجم مناقشه پایدار حصر دو تن از نامزدهای انتخاباتی با توجه به اصل مناقشه پایدار امنیت هستی‌شناختی بررسی، و سپس در بخش آخر نتایج تحقیق بیان می‌شود.

روش‌شناسی

دستیابی به هدف‌های علم و شناخت علمی فراهم نخواهد شد مگر زمانی که با روش‌شناسی درست صورت پذیرد. به‌طور کلی روش، مجموعه قواعدی است که هنگام بررسی و پژوهش واقعیات باید به‌کار برود؛ ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند (خاکی، ۱۳۷۸: ۲۱۰-۱۵۵).

فلسفه کلی این پژوهش اثبات‌گرایی است و از حیث اهداف به پژوهش‌های بنیادی-کاربردی و اکتشافی تقسیم‌بندی می‌شود. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد استقرایی و تجزیه و تحلیل کیفی و روش توصیفی تحلیلی به تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. روش‌های گردآوری اطلاعات این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای (واقعی و مجازی) صورت گرفت. در روش واقعی از کتابخانه، پایان‌نامه‌ها، مقالات، مجلات و در روش مجازی از پایگاه‌های استنادی، بانک‌های اطلاعاتی، کتابخانه‌های دیجیتال و خبرگزاری‌های اینترنتی استفاده شد. برای تهیه و تنظیم مطالب، ابتدا سندخوانی و جست‌وجوی منابع صورت گرفت؛ پس از آن، دسته‌بندی فایلها متناسب با نوع متغیرها

انجام گرفت؛ سپس با فیش‌برداری از اسناد و بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی به ترکیب‌بندی مطالب اقدام شد (در این مرحله بخشهای مختلف پژوهش نگارش شد). ابتدا چهارچوب نظری تشریح و نمودار مفهومی پژوهش ترسیم شد؛ سپس مطالب در بخشهای مختلف به صورت کیفی براساس نمودار مفهومی به نگارش درآمد. در بخش نتیجه‌گیری، روابط داده‌های بخش سوم (مؤلفه‌های هویت‌ساز در جمهوری اسلامی) و بخش چهارم (رخداد‌های پس از انتخابات) با توجه به داده‌های بخش اول (مفاهیم بنیادین امنیت هستی‌شناختی) و بخش دوم (شاخص وضعیت بحرانی) تجزیه و تحلیل شد. در این مرحله با توجه به داده‌های بخشهای مختلف تحقیق و استفاده از رویکرد استقرایی، استدلال علمی درباره‌ی جواب به سؤال اصلی تحقیق طراحی شد. از ابزارهای گردآوری داده‌ها می‌توان به ابزار نوشتاری، دفترچه فیش‌برداری و سامانه رایانه‌ای نام برد. بازه مکانی این تحقیق در گستره جغرافیای جمهوری اسلامی ایران و در بازه زمانی دهه ۸۰ و ۹۰ هجری شمسی است.

۱. رهیافت نظری

رویکرد نظری این تحقیق چهارچوب نظری امنیت هستی‌شناختی^۱ گیدنز است. در این بخش با ارائه الگوی امنیت هستی‌شناختی و بررسی مفاهیم آن، نمودار مفهومی پژوهش ترسیم خواهد شد.

نظریه امنیت هستی‌شناختی اولین بار در روابط بین‌الملل از نظریه وجود انسانی آنتونی گیدنز^۲ در سطح فردی استنتاج شده است. گیدنز امنیت هستی‌شناختی را احساس نوعی تداوم و نظم در حوادث از جمله آنهایی تعریف می‌کند که مستقیماً در محیط ادراکی فرد قرار ندارند (Giddens, 1991:243). سیگل^۳ امنیت هستی‌شناختی را نوعی انگیزه قوی برای حفظ هویت انسان‌ها در برابر فشار عوامل بیرونی می‌داند. به عقیده وی این انگیزه با تولید دلهره و اضطراب از فشار عوامل بیرونی جلوگیری می‌کند (Sigel, 1984:459).

1. Ontological Security
 2. Anthony Giddens
 3. Sigel

۱-۱. امنیت هستی‌شناختی در سطح فردی

به عقیده گیدنز از دید هستی‌شناسی ایمن بودن یعنی در اختیار داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاه عملی برای بعضی پرسش‌های وجودی بنیادین که همه آدمیان در طول عمر خود به گونه‌ای مطرح کرده‌اند. پرسش‌های بنیادینی که گیدنز آنها را این طور بیان می‌کند: "چه باید کرد؟ چگونه باید دست به کار شد؟ چگونه شخصی باید باشیم؟ (گیدنز، ۱۳۹۳: ۷۵). گیدنز این فرایند هویت‌سازی را نتیجه ترکیب شکل‌های فرهنگی و روابط اجتماعی می‌داند که این امکان را برای هر کنشگر اجتماعی فراهم می‌کند تا برای پرسش‌های بنیادی معطوف به کیستی و چیستی خود پاسخی مناسب و قانع‌کننده پیدا کند (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۵-۲۲۳).

به عقیده گیدنز امنیت هستی‌شناختی احساس ایمنی از خود واقعی فرد است. این ایمنی باید به فرد، اعتماد و اطمینان دهد تا آرامش او حفظ شود. این آرامش، که از اعتماد بنیادین^۱ و روال‌های عادی جامعه ریشه گرفته است، مانند پيله‌ای محافظ عمل می‌کند که در برابر حوادث آینده به فرد شهامت و امید برای رویارویی با حوادث می‌دهد.

گیدنز، پيله^۲ حفاظتی را مجموع روال‌های عادی جامعه، عناصر هویت‌بخش، نگاه فرد به مسئله شرم^۳ و عزت^۴ می‌داند. بنابر تعریف گیدنز، حفاظت دفاعی در برابر خطرهای متصور از دنیای بیرونی بر اعتماد بنیادین مبتنی است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۲۴). پيله‌شناختی حفاظت دفاعی را بر پایه اعتماد بنیادین می‌داند و آن را در فضای تعهد در نوع کیفیت ایمانی تحلیل می‌کند که بر ساخته از هویت، عادات و روال‌های جاری شده فرد در طول زمان است (رستمی و غلامی، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۴۲). میتزن روال‌های عادی را توانایی هر فرد برای عاملیت و کارگزاری می‌داند که فرد را در مقابل سیل خطرهای تشکیل‌دهنده محیط محافظت می‌کند (Mitzen, 2006:346). به عقیده میتزن، کنشگرانی که نظام اعتماد پایه سالم دارند به استدلال‌های واقع‌گرایی نزدیکند. به عقیده آنها مشکلات امنیتی را می‌توان بهبود بخشید. اعتماد اساسی نقش اصلی را ایفا می‌کند. در صورت گسست از عادت‌ها،

1. Fundamental trust
2. Protective cocoon
3. Cocoon
4. Mitzen

کنشگر می‌داند این گسست موقتی است و بدین‌صورت از تشویش و آشفتگی پرهیز می‌کند؛ زیرا می‌داند عادات‌های جاری و هویت دوباره ایجاد می‌شود (Mitzen, 2004:27-36-37).

روالهای عادی جامعه همان مفاهیم و نظام معنایی است که هویت فرد را شکل می‌دهد و تداوم آن را تضمین می‌کند. در واقع همان‌طور که کنترل مستمر و منظم بدن برای جلوگیری از بیماری‌های ظاهری بدن اهمیت دارد، بازتولید و تصدیق روالهای عادی جامعه به ایجاد نظام اطمینان‌بخش پایه منجر می‌شود که در برابر مرحله بیماری هویتی اهمیت دارد. به عقیده میتزن^۱ دولت، نظام اطمینان‌بخش را از طریق عادات‌های جاری، مانند ملی‌گرایی و دین کسب می‌کند (Mitzen, 2006:342).

گیدنز ثبات هویت را در طول زمان و مکان عامل حفظ امنیت وجودی می‌داند؛ اما به عقیده وی در دوران تجدد با برهم‌ریختگی فضا و زمان، ثبات هویتی وجود نخواهد داشت که به نوعی بحران در سطح معنا پدید خواهد آمد و مفهومی به عنوان نامانی هستی‌شناختی تولید می‌شود.

۱-۱-۱. مفهوم نامانی هستی‌شناختی

وضعیت‌های بحرانی، مرحله بیماری و وضعیت‌های تهدیدزا، معادل مرحله بیماری ظاهری بدن است که گیدنز عقیده دارد در این مرحله، همان‌طور که بدن بیمار می‌شود، فرد و جامعه نیز بیمار می‌شود.

به عقیده گیدنز اگر امنیت هستی‌شناختی پاسخ به پرسش‌های بنیادین گرفته شود در این مرحله فرد دچار تردید، عدم قطعیت و تولید اضطراب می‌شود. این اضطراب از نوع عاطفی و ناشی از تحت تأثیر قرار گرفتن وضعیت اعتماد است (Steel, 2005:526). از نظر گیدنز، وضعیت‌های بحرانی یا تهدیدهای هویتی گسست‌های رادیکال پیش‌بینی‌ناپذیری است که بر تعداد زیادی تأثیر می‌گذارد. این وضعیت‌ها روالهای عادی نهادینه شده دولت‌ها را آشفتگی می‌کند (Giddens, 1984:61). این تهدیدهای هویتی بیشتر در عصر مدرن اتفاق می‌افتد؛ چرا که در جامعه مدرن شخصیت‌ها انتزاعی، ناشناس و بیگانه با خود هستی‌شناختی هستند و زندگی افراد همیشه در حال مهاجرت و تغییر می‌گذرد و مهمترین

ویژگی برجسته آن ریشه‌کن کردن خود از محدوده اجتماعی آن است (Kinnavall, 2004:744).

فرایند جهانی شدن^۱ به دلیل در هم‌ریختگی زمان و مکان، نوعی بحران هویت را پدید می‌آورد که این درهم‌ریختگی، انحصار فرهنگی را از بین می‌برد و مصونیت فرهنگها را در زمینه شکل‌گیری هویت کاهش می‌دهد و تنها راه مصون ماندن از این بحران حفظ نظام اعتماد پایه می‌تواند باشد.

۱-۲. امنیت هستی‌شناختی در سطح دولت

گیدنز عقیده دارد امنیت وجودی با منتسب کردن هویت به دولت، آن را به شکل شیء درمی‌آورد؛ شیء‌ای که نیازمند محافظت است. استیل نیز این‌گونه عقیده دارد: با اینکه امنیت فیزیکی برای دولت‌ها اهمیت دارد، امنیت هستی‌شناختی مهمتر است؛ زیرا تأمین آن هویت دولت را تحکیم می‌کند. به نظر استیل دولت‌ها به دنبال امنیت هستی‌شناختی با توجه به هویت و منافع مشترک هستند (Steel, 2005:524-525). دولت- ملت‌ها جویای امنیت هستی‌شناختی هستند؛ زیرا می‌خواهند برداشتهای ثابتی از خودشان داشته باشند و "خود" دولت‌ها از طریق روایتی تکوین یافته حفظ شود. در رویکرد امنیت هستی‌شناختی کنش‌های اصلی رفتار دولت در سه چیز خلاصه می‌شود: اخلاقی، بشر دوستانه و عزتمندانه (دهقانی فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶ و ۳۵-۳۳).

استیل عقیده دارد همه دولت‌ها به دنبال امنیت هستی‌شناختی هستند؛ اما همه نمی‌توانند به‌طور یکسان احساس شرم یا عزت کنند؛ چرا که توانایی همه دولت‌ها برای تولید و بازنگری روالهای عادی یکسان نیست. از این‌رو استیل^۲ چهار عامل را در تأمین رفتار امنیت‌جویانه دولت دخیل می‌داند: ۱. توانایی تأملی و مادی ۲. ارزیابی بحران ۳. روایت بیوگرافیک ۴. چهارچوب‌سازی گفتمانی به دست بازیگران همراه (Steel, 2005:526-531).

- تواناییهای مادی و تأملی: دولت‌های قدرت بزرگ به دلیل توانایی فیزیکی خود در تعیین نتایج اهمیت بیشتری دارند.

- ارزیابی بحران: چگونگی فرایند سازندگی تکوین بحران و هویت به سه عامل بستگی دارد: ۱. توانایی گفتمانی به معنای تبدیل وضعیت به بحران ۲. مرتبطسازی معقول این بحران با خود ملی ۳. شناسایی سیاستی که می‌تواند به صورت موفق به بحران پایان دهد؛ این عوامل در توانایی دولت برای ارزیابی موفق بحران دخیل است (ward, 2001:85).

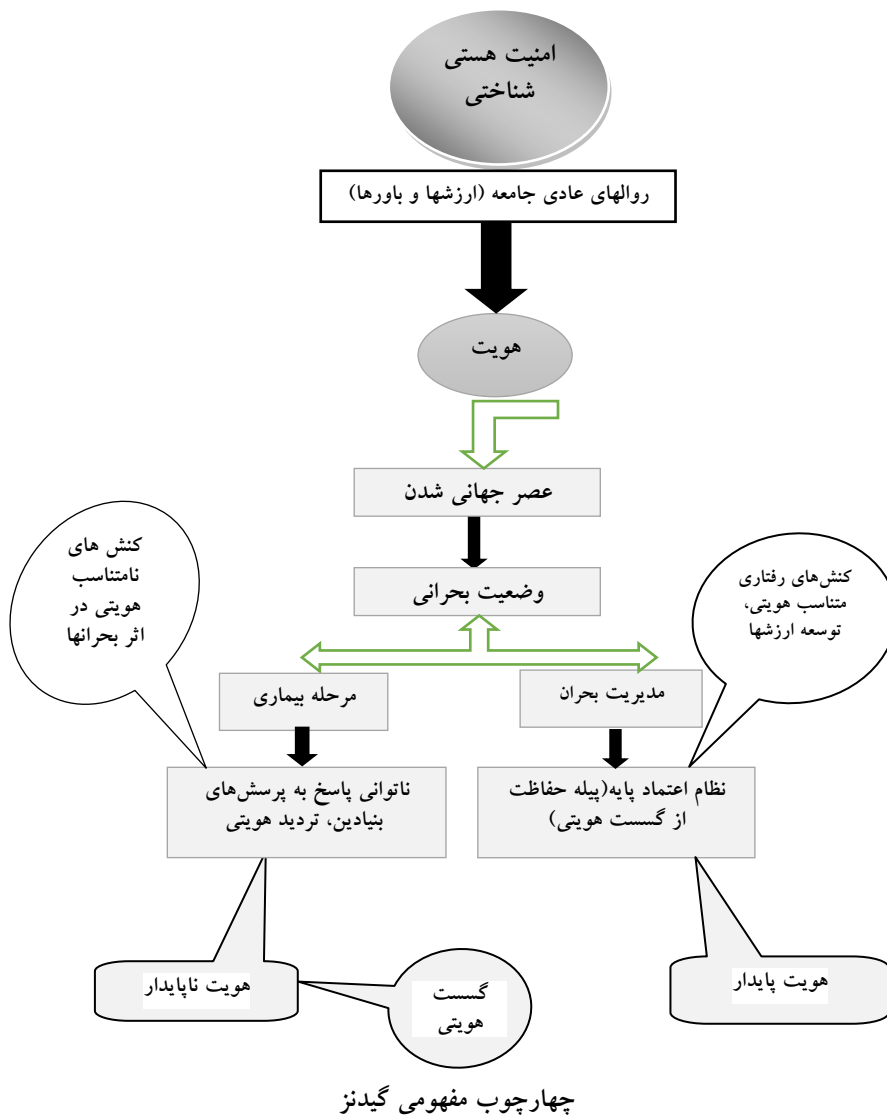
- روایت بیوگرافیک: روایت بیوگرافیک اهمیت وجودی را روایت می‌کند؛ مکانی است که کارگزاران درک‌های خویش را از محیط اجتماعی بروز می‌دهند (Giddens, 1984:374). در روایت بیوگرافیک باید به این عوامل توجه کرد: ۱. چه چیز محرک حوادث است؟ ۲. حوادث چه نکته‌ای را به کنشگر بیان می‌کنند؟ ۳. چگونه از حوادث منافع کنشگر را استخراج کنیم؟ ۴. دولت برای تعقیب این منافع از چه سیاستی استفاده می‌کند؟ (Giddens, 1991:54). هرچه دولت درک خود و دیگری را از روایت بیوگرافیک خود افزایش دهد، امنیت وجودی مطمئن‌تری را نیز دارا خواهد بود.

امنیت هستی‌شناختی دولتها زمانی دچار بحران می‌شود که دولتها رفتارهایی مخالف هویت خویش (روایت بیوگرافیک خود) داشته باشند؛ به‌طور مثال تصویری که عموم دولتها از جمهوری اسلامی ایران دارند، اصل مردم‌سالاری دینی، حمایت از مردم مظلوم و مبارزه با استکبار است. اگر رفتاری مغایر این تصویر، چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی اتفاق بیفتد، امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی آشکارا دچار بحران شده است که تنها راه جلوگیری از این ناامنی، حفظ امنیت وجودی انقلاب اسلامی از طریق روشها، عادات و روالهای جاری است که به تشکیل نظام اعتماد پایه در کشور منجر شده است.

شرم و عزت از مؤلفه‌های اصلی امنیت‌ساز است که کنشگر، متوجه آن است و همواره از شرم بیزار است و غرور و خودستایی را دوست دارد. شرم احساس گناه است؛ گناهی که با خود هستی‌شناختی فرد سازگار نبوده است.

از نظر گیدنز فرد با شرم احساس ناامنی می‌کند و به همین دلیل وجود ماهیت مسئله شرم، باعث پرهیز از کنش‌هایی می‌شود که امنیت وجودی را به خطر می‌اندازد. گیدنز شرم

را، نگرانی نسبت به متناسب بودن روایت با توانایی منطبق‌سازی اقدامات گذشته و آینده می‌داند که یکی از شکلهای آن به صورت پشیمانی از اشتباهات گذشته است و به صورت عذرخواهی رسمی صورت می‌گیرد (Giddens, 1991:65). استیل روی دیگر مهم شرم را نوع نیابتی آن می‌داند. در این‌گونه، فاصله گرفتن از فرد خطاکار در تأمین امنیت وجودی امری مهم تلقی می‌شود (Johens, 2005:335).



۲. بحران

بحران^۱ را می‌توان در اصطلاح به معنای الک کردن، غربال کردن و زیر و رو کردن به کار برد (Mautner, 1996:88). در علم پزشکی بحران را نقطه عطفی در مرحله بیماری می‌دانند و در عرصه بین‌الملل بحران در معنای جنگ و صلح متغیر است (Kriger, 1999:205). بحرانها جزئی از جوامع امروزی است. به عقیده هگل^۲ ریشه بحران در الگوهای فرایند تکاملی تاریخ از آغاز عصر رنسانس و عبور از جنبش اصلاح دینی تا دوران روشنگری، و انقلابهای دهه‌های اخیر است که باعث صورت‌بندی مدرنیته شده است (Outhwaite & Bottomore, 1993:127).

بحران از دید سیستمی به وضعیتی اطلاق می‌شود که نظم سامانه اصل یا قسمت‌هایی از سامانه فرعی را مختل می‌کند و برهم می‌زند. از این دیدگاه بحران به دسته‌ای حوادث و وقایع گفته می‌شود که بسرعت حادث می‌شود و تعادل نیروها را در سامانه کلی یا سامانه فرعی، بیش از حد متعارف برهم می‌زند و امکان تخاصم را افزایش می‌دهد (کاظمی، ۱۳۶۶:۳).

بحران تنها مفهومی نیست که از طریق آن بتوان درکی از حوادث بحرانی حاصل کرد، بلکه مفاهیم دیگری، همچون درگیری، ستیز، بی‌ثباتی، انقلاب، شورش و دگرگونی، و سرنگونی نظام حاکم به‌گونه‌ای به این پدیده رجوع می‌دهد (قاسمیان، ۱۳۸۳:۵۰).

۱-۲. ویژگی عمومی بحران

عموماً سه ویژگی اصلی را شرط اصلی بحران ذکر کرده‌اند: تهدید، غافلگیری و فشار زمانی (حسینی، ۱۳۸۵:۲۲). ویژگیهای دیگر بحران چون لزوم پاسخگویی سریع در کوتاه‌ترین زمان، عدم پایداری بحرانها، ذاتی بودن خسارت آنها، افزایش فشارهای روانی بر جامعه که باعث عملیات روانی و قوت گرفتن شایعات می‌شود (ناظمی و دیگران، ۱۳۹۵:۱۳ و ۱۴).

ویژگیهای وضعیت بحرانی (تهدیدزا) را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

1. The crisis
2. Hegel

۱. هرگاه پدیده‌ای به‌طور منظم جریان نیابد. ۲. حالتی نابسامان ایجاد، و یا نظمی مختل شود یا حالتی غیرطبیعی پدید آید، بحران مطرح می‌شود. ۳. به وجود آمدن وضعیت غیرمعمول یا نامتعارف در جریان حرکت سامانه یا نظام. ۴. وضعیت ناپایدار و متزلزلی که در چارچوب آن، تغییر قطعی (بهتر یا بدتر) در شرف وقوع است. ۵. هر نوع بی‌ثباتی که به تغییرات اساسی منجر شود. ۶. شرایط، اوضاع یا دوران خطرناک و فاقد اطمینان باشد (قاسمیان، ۱۳۸۳: ۲۵).

یکی از ویژگی‌های بحران عدم پایداری آن است. این ویژگی باعث می‌شود بحران تحت تأثیر متغیرهای گوناگونی تغییر کند. بحرانها بر کارایی نظامها تأثیر مستقیمی دارد تا جایی که کارایی نظامهای کنونی از چگونگی رویارویی و مدیریت بحرانهای آن نظام سنجیده می‌شود.

مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که ماهیت و نوع بحران الزاماً ثابت نمی‌ماند و ممکن است در طول زمان تغییر کند. ریموند آرون^۱ به این پدیده به «قانون تغییر» اشاره می‌کند (تاجیک، ۱۳۸۴: ۹۴). هرگاه بحرانهای اجتماعی به مرحله‌ای از اهمیت و حساسیت برسد که مورد توجه افکار عمومی و سیاستمداران قرار بگیرد، تغییر ماهیت می‌دهد و به بحرانی سیاسی تبدیل و بحرانهای سیاسی در وضعیتی امنیتی می‌شود (امیری، ۱۳۹۱: ۲۲۳).

اطلاق کلمه بحران سیاسی - امنیتی به حالتی مشخص، تحت تأثیر متغیرهای سیاسی و ایدئولوژیک قرار دارد. میزان جدی بودن تهدیدات ناشی از بحران در کنار بازیگران مؤثر در بحران، میزان برخوردهای خشونت‌آمیز در بحران، روشهای مدیریت بحران، تعدد و تنوع مسائل چالش برانگیز، سطح تلاطم محیط، دوقطبی شدن جامعه، تضعیف انسجام اجتماعی، کاهش اعتماد بازیگران از مهمترین متغیرهای مؤثر بر فرایند امنیتی شدن بحرانهای اجتماعی است (امیری، ۱۳۹۱: ۲۲۴-۲۲۱).

۲-۲. بحران در جمهوری اسلامی ایران

وقوع انقلاب ارتباطات^۲ دنیا را با بحرانهای جدیدی روبه‌رو ساخت. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و همواره در لایه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود با بحرانهایی روبه‌رو بوده است.

1. Raymond Aaron
2. Communication revolution

مطالعات نشان می‌دهد که کشورهای در حال گذار همانند جامعه ایران امروز، سلسله بحرانهای زنجیره‌واری را با خود حمل می‌کنند که هر کدام دیگری را تشدید می‌کند. از جمله بحرانهای رایج در جهان سوم در حال گذار، بحران مشروعیت و هویت، بحران کارآمدی نظام (دولتهای ناکارآمد)، بحران مشارکت میزان و چگونگی مشارکت مردم است (ربیعی، ۱۳۸۶: ۵۸ و ۵۷). بشیریه چهار نوع بحران مشروعیت، مشارکت، کارایی و استیلای هژمونیک را جزء بحرانهای عصر حاضر جامعه ایرانی می‌داند (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

در ایران امروز، سه پدیده اصلی را می‌توان به عنوان علت‌های اصلی بحران‌ساز برشمرد: پدیده اول: بحرانهای داخلی ناشی از «آشوبهای نوین جهانی» که پدیده‌ای خارجی است. پدیده دوم: تحولات ساختاری است که پدیده‌ای داخلی با امکان تأثیرپذیری از خارج به شمار می‌رود. پدیده سوم: تحولات جمعیتی ایران امروز است که موضوعی کاملاً داخلی است (ربیعی، ۱۳۸۶: ۵۹).

آشوبهای نوین ایران را می‌توان به تعبیر جیمز روزنا^۲ در پنج گرایش سامانه اصلی آشوبزا قرار داد. گرایش اول ناظر بر جابه‌جایی از نظم صنعتی به نظم پسا صنعتی است. گرایش دوم، ظهور موضوعات مختلف همچون، تروریسم، تجارت مواد مخدر، بحران ارزی را مورد توجه قرار می‌دهد. سومین گرایش بحران، مرجعیت و اقتدار را مورد توجه قرار می‌دهد. گرایش چهارم، تضعیف نظامهای کلی نظیر دولتها را موضوع مطالعه خود می‌داند و گرایش پنجم هم در نظر گرفتن جهانی شدن است که امکان وابسته شدن را نیز در نظر می‌آورد (جیمز روزنا، ۱۳۸۲: ۶۶).

علاوه بر این عوامل طرح موضوعات مختلف مانند حقوق بشر یا بحرانهای اجتماعی که به بحران سیاسی - امنیتی تبدیل می‌شود از بحرانهای عصر حاضر جامعه ایرانی است؛ از این رو بحرانهای اجتماعی مانند حقوق اقوام و اقلیتها، دعوای جناحی که نتیجه آن دو قطبی شدن جامعه است، تحت تأثیر اوضاع گوناگونی به بحران امنیتی تبدیل می‌شود. علاوه بر این جمهوری اسلامی با بحرانهای نوینی نیز روبه‌روست؛ بحرانهایی که در گرایشهای مختلف سامانه جیمز روزنا قرار می‌گیرد یا ممکن است تحت تأثیر آشوبهای

1. Chaos
2. James Rozna

نوین جهانی یا تحولات ساختاری باشد. از این‌رو ناهنجاریهای اجتماعی، ناامنی‌های روانی، برجسب امنیتی زدن به هرگونه ناهنجاریهای اجتماعی، مخالفت‌های فرهنگی و عقیدتی، غلبه هویت قومی بر ملی را می‌توان جزء بحرانهای نوین ایران برشمرد. براین اساس، حوادث کوی دانشگاه سال ۱۳۷۸ که به آشوبهایی در سطح جامعه منجر شد و حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم در سال ۱۳۸۸ دو نمونه از بحرانهای امنیتی و نوین در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

۳. منابع هویت‌ساز فردی و ملی (دولت) در جمهوری اسلامی ایران

هویت^۱ در مرکز نظریه امنیت هستی‌شناختی قرار می‌گیرد. در این بخش منابع هویت‌ساز جمهوری اسلامی ایران تشریح خواهد شد. هویت جمهوری اسلامی ایران براساس تعریف خود و برداشتی تعریف می‌شود که دیگرکشورها از آن دارند که برای حفظ آن باید مدام از طریق منابع آن بازتولید شود و مورد تصدیق دیگران نیز قرار بگیرد. این مؤلفه‌های هویت‌ساز بر اساس ارزشها، باورها و اعتقادات ایرانی، اسلامی و مدرن، باعث شکل‌گیری نوعی نظام اعتماد پایه در جمهوری اسلامی ایران شده است که هنگام تهدیدهای هویتی نقش پیله حفاظتی را ایفا می‌کند.

۱-۳. مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی

منابع هویت‌ساز این مؤلفه بنیادی به آن دسته از منابع بنیادینی (بویژه قبل از اسلام) اشاره دارد که در تاریخ، زبان، جغرافیا، نمادها و آیین‌های ایرانی ریشه داشته باشد. الف) تداوم تاریخی و حافظه مشترک: وجود اشتراکات در تعاملات و مناسبات تاریخی، ارزشی، فرهنگی و سیاسی از مؤلفه‌های مهم شکل‌گیری هویت ایرانیان است. اصل تداوم تاریخی در ایران، که به‌رغم وقوع بحرانهای سیاسی، اشغال نظامی و غیره همواره به چشم می‌خورد، هسته اولیه و اصلی شکل‌گیری هویت ملی به شمار می‌آید (حاجیان، ۱۳۸۸: ۱۳).

ب) زبان: زبان و ادبیات فارسی، آینه تمام‌نمای هویت ملی ایرانیان است که عنصر اصلی در پایداری هویت و فرهنگ ایرانی نیز به شمار می‌رود. زبان به عنوان نماد

هویت، شامل مجموعه‌ای از شئون علمی، آموزشی، دینی و تاریخی است تا آنجا که غایت و انگیزه برنامه‌ریزی زبانی، کسب هویت قلمداد شده است (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۶۲-۱۶۹).

ج) طبیعت و جغرافیا: چگونگی وضعیت اقلیمی، شکل کوه‌ها، دریاها و دشتهای پست داخلی ضمن ایجاد تنوع زیستی و فرهنگی، اوضاع مساعدی برای زندگی ویژه ایرانیان به وجود آورده و موجب پیوستگی و همبستگی آنها باهم شده است (کردوانی، ۱۳۸۲: ۱۲۸).

د) اسطوره‌های مشترک: امروزه ایرانیان با داشتن اسطوره‌های مشترکی چون فردوسی از خودآگاهی ملی بهره‌مند هستند (هرسیچ و تويسرکاني، ۱۳۸۹: ۱۶۴).

ه) جوانمردی و فتوت: از یک سو اعتدال و میانه‌روی و از سوی دیگر، میراث هویت معاصر ایرانی، جوانمردی و فتوت است. این دو مؤلفه از مؤلفه‌های اصلی تمایز هویت ایرانی با دیگران است. همان‌طور که اشعار زیبای سعدی بر دیوار سازمان ملل متحد نقش بسته، فتوت و جوانمردی، نماد تواضع و مردم‌داری ایرانیان است (رجائی، ۱۳۸۲: ۱۵۲).

۲-۳. مؤلفه‌های هویت‌ساز اسلامی

منابع مؤلفه‌های هویت‌ساز اسلامی به آن دسته از منابع هویت‌بخشی اشاره می‌کند که در دین، مذهب و ارزشهای اسلامی ایرانیان ریشه دارد؛ این منابع هویت‌ساز با ورود اسلام به ایران در هویت و فرهنگ ایرانی ریشه دوانید و باعث هویت‌بخشی جدیدی به ایرانیان شد.

الف) روح معنویت، توحید و تعبد: دینداری بر محور یکتاپرستی قدمتی به تاریخ این سرزمین دارد. اعتقاد داشتن به مرکزیت خدایی که همه جا حاضر است، همیشه با فرهنگ ایرانی همراه بوده است (رجائی، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

ب) شیعی‌گری: آنچه ملت ایران را از دیگر ملل متمایز می‌کند و مرز خود و دیگری را ترسیم می‌کند، اسلام شیعی است. مذهب شیعه عظمت گذشته ایرانیان را بازستاند و برای شفاف کردن مرزهای ملی فرهنگی و دینی با اقوام دیگر کمک شایانی کرد (طاهری و کریمی‌فرد، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

ج) دین اسلام: دین اسلام مهمترین مؤلفه هویت‌بخش ایرانیان است که با عجزین شدن با مذهب شیعه، نقش عمده‌ای در شکل‌گیری هویت ایرانیان داشته است، تا جایی که پیروزی انقلاب اسلامی و برقراری حکومت اسلامی برخاسته از مؤلفه‌های ذاتی این مذهب است.

د) فرهنگ مقاومت و شهادت‌طلبی: مقاومت و شهادت در اندیشه سیاسی شیعه، عامل نجات‌بخش و هدفی راهبردی تلقی می‌شود که خاستگاه آن اعتقادات و باورهای دینی مردم مسلمان است. حضور این دو عنصر در حیات سیاسی و اجتماعی مسلمانان در به وجود آوردن هویت دینی، فرهنگی و بومی مسلمانان نقش برجسته‌ای داشته است (محمدی، ۱۳۸۹: ۹ و ۱۰).

ه) ولایت‌مداری: ثمره روح ولایت و کشش به سوی پرهیزگاران و دوستداران خدا، تشکیل حکومت صالحان و قبول حاکمیت پاکان بر جامعه است. مشروعیت نظام اجتماعی نیز موهبتی الهی است. این گرایش بستر همواری برای عدالت‌طلبی بی‌پایان در جامعه است (ر.ک به سند ملی مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، خبرگزاری فارس ۸۷/۳/۲۱).

و) مهدویت، انتظار و رسالت تاریخی ایرانیان: آرمان ظهور امام زمان از مؤلفه‌های بنیادین دینی جمهوری اسلامی ایران است که به استناد برخی روایات، انقلاب اسلامی زمینه‌ساز مقدمات ظهور است (عشقی، ۱۳۷۲: ۶۲-۶۵). این اصل در هویت‌بخشی دینی و حفظ آن برای ایرانیان نقش اساسی دارد.

از دیگر مؤلفه‌های هویت‌ساز برخاسته از ارزشهای دینی می‌توان به ایشار، از خودگذشتگی، جوانمردی، اخلاق‌مداری، مهربانی، حمایت از مستضعفان و مقابله با مستکبران اشاره کرد که اجزایی جداناپذیر از هویت ملی ایرانیان است.

۳-۳. مؤلفه‌های هویت‌ساز مدرن

منابع هویت‌ساز مدرن به آن دسته از مؤلفه‌ها و مفاهیم بنیادینی گفته می‌شود که با شکل‌گیری دولت ملی و پیشرفت جامعه بشر به ایران راه یافت؛ اگرچه بعضی از این مفاهیم ریشه اسلامی ایرانی نیز دارد.

الف) دولت ملی: یکی از مهمترین مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی مسئله دولت ملی^۱ است (احمدی، ۱۳۸۳: ۸۱). دولت نهادی انتزاعی است که از طریق دولتمردان، آیین‌ها و همه آنچه را هست به عینیت تبدیل می‌کند (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۵۶).

ب) مردم‌سالاری: مردم‌سالاری، میراث دنیای مدرن و اندیشه‌های غربی نیست بلکه میراث تمدن بشری است که ایرانیان با آموزه‌های دین اسلام در شکل‌گیری این مؤلفه هویتی نقش مهمی داشته‌اند و از آن امروزه به شکل جدیدی از مردم‌سالاری تحت عنوان مردم‌سالاری دینی یاد می‌شود.

ج) جهان سوم گرایی^۲: گفتمان جهان سوم گرایی ماهیتی ضدامپریالیستی^۳ دارد که مخالف وضع نظام سیاسی- اقتصادی بین‌المللی است و قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل چون عدم مداخله در امور داخلی کشورها را می‌پذیرد و خواهان تغییر وضع اقتصادی به نفع کشورهای جهان سوم است (فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

د) ورود اندیشه‌های ناسیونالیستی از غرب: با جداسازی آگاهانه وطن‌پرستی از ملی‌گرایی باید گفت راهیابی ناسیونالیسم^۴ به عنوان مکتب فکری، که از غرب^۵ وارد جهان سوم^۶، جوامع شرقی و ایران شده است، عامل مهمی در شکل‌گیری هویت ملی ایرانیان به‌شمار می‌رود (حاجیان، ۱۳۸۹: ۱۳).

ه) نظام اقتصادی: اشتراکات اقتصادی را می‌توان در کنار زبان و جغرافیا مؤلفه مهم تکوین هویت قلمداد کرد (عالم، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

۳-۴. هویت دولت در جمهوری اسلامی ایران

هویت دولت در جمهوری اسلامی یعنی تعریفی که دولت با سیاستهای جمهوری اسلامی از خود دارد و برداشتی که دیگران از آن دارند؛ از این‌رو تعریف جمهوری اسلامی ایران از خود، مجموعه اعتقادات، عادات و روالهای گوناگونی است که در سه ساحت باور، ساختار و رفتار با مؤلفه‌های بنیادین اسلامی، ایرانی و مدرنیته شکل گرفته است.

-
1. National government
 2. The Third World
 3. Anti-imperialism
 4. Nationalism
 5. The West
 6. Oriental communities

در سطح ملی، مبانی و شکل‌گیری هویت جمهوری اسلامی در سه ساحت باور، ساختار و رفتار قرار می‌گیرد. در حوزه باور و مبانی فکری جمهوری اسلامی ایران، می‌توان این موارد را برشمرد که هویت جدیدی را پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دولت و حکومت در ایران بخشیده است: آموزه‌های اعتقادی، پیوستگی دین و سیاست، علم و دانش همراه با معنویت، وحی و عقلانیت، معرفت‌شناختی، تأکید بر علت غایی، باورمندی به معاد، خدامحوری و رهبری سیاسی نبوت و امامت (نوروزی، ۱۳۸۶: ۳۶).

بهره‌گیری مؤلفه‌ها در ساحت باور نتایج علمی و عملی در حوزه ساختار و رفتار نظام جمهوری اسلامی ایران دارد همچون اعتقاد به رهبری سیاسی نبوت و امامت در حوزه باور، باعث شکل‌گیری نظام ولایت فقیه در حوزه ساختار جمهوری اسلامی ایران می‌شود. در حوزه ساختار از مؤلفه‌هایی که هویت‌بخش جمهوری اسلامی ایران است، می‌توان به بایستگی حکومت دینی، مشروعیت الهی و مشارکت مردمی، حاکمیت فقیه، الگوی مردم‌سالاری دینی و حاکمیت قانون اشاره کرد. در حوزه رفتار نیز همه رفتارهایی که از حوزه ساختار منتج می‌شود باید بر پایه ساحت باور و ارزشهای اعتقادی اسلامی باشد؛ چه بسا رفتار رهبران، نخبگان و شهروندان باشد (نوروزی، ۱۳۸۶: ۵۰-۴۵). از این‌رو جمهوری اسلامی به عنوان الگوی جامعی برای مستضعفان، دولتهای مقاومت اسلامی و آزادیخواهان دنیا است و تمام سیاستهای آن نیز در این راستا شکل می‌گیرد. صدور انقلاب، استقلال‌طلبی، حمایت از مستضعفان و مقابله با مستکبران مهمترین مظاهر تجلی هویت‌بخش گفتمان انقلاب اسلامی به دولتها در جمهوری اسلامی ایران است.

آنچه بیان شد، بخشی از منابع هویت‌بخشی بود که جمهوری اسلامی براساس آن خود را تعریف، و سیاستهای خود را نیز تدوین می‌کند و دیگری نیز براساس همین برداشتها آن را مورد تصدیق قرار می‌دهد؛ آنچه در حوادث سال ۱۳۸۸ پس از انتخابات اتفاق افتاد، مورد تهدید قرار دادن این اصول مسلم هویت‌بخش بود.

۴. بررسی رخدادهای در جریان حوادث پس از انتخابات ۱۳۸۸

در جریان حوادث پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری، ناامنی هویتی در سطوح فردی و ملی پدیدار شد؛ رخدادهایی که خودآگاه یا ناخودآگاه، مؤلفه‌های بنیادینی

از هویت فردی و دولت جمهوری اسلامی ایران را هدف گرفته بود و باعث شد تعریف جمهوری اسلامی ایران از خود و برداشت‌های دیگران از آن، مورد تردید و تهدید قرار بگیرد. در این بخش به رخدادهای پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ می‌پردازیم که به تهدیدهای هویتی منجر شد. پیامدهای حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم را می‌توان به دو بعد داخلی و خارجی تقسیم کرد.

۴-۱. پیامدهای حوادث در بعد داخلی

الف) تضعیف حاکمیت و اعتماد عمومی: در جریان حوادث پس از انتخابات با ترور شخصیت دولت و حاکمیت، اعتماد عمومی مردم به نظام جمهوری اسلامی به عنوان اولین اصل پایدار هویتی مورد خدشه قرار گرفت (بیگلری، ۱۳۸۸: ۸۴).

ب) قانون‌گریزی: اصل حاکمیت قانون مهمترین مؤلفه هویت‌ساز جمهوری اسلامی است؛ اما حوادث پس از انتخابات با قانون‌گریزیهای پی‌درپی، این اصل را زیر سؤال برد. این پیامد، مقدمه بی‌توجهی به قانون و بی‌ارزش شدن ملاکهای قانونی در جمهوری اسلامی ایران بود (شیرودی، ۱۳۸۹: ۴۶).

ج) حرمت‌شکنی ارزشهای دینی: یکی از پیامدهای حوادث پس از انتخابات بازکردن فضای هجمه به ارزشهای دینی و ملی بود. حرمت‌شکنی در عاشورای سال ۱۳۸۸، بی‌حرمتی به امام‌خمينی(ره)، شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه و بالاخره هتاک شدن ادبیات ضدانقلاب علیه رهبر انقلاب اسلامی تنها چند مصداق از این حرمت‌شکنی‌هاست (کوثری، ۱۳۹۰: ۱۶۷)؛ حرمت‌شکنی‌هایی که ارزش و قداست را از نظام دینی الهی به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه هویت‌ساز می‌کاهد و آن را مانند حکومت‌های لیبرال دموکرات غرب تنزل می‌دهد.

د) ایجاد شکاف بین ملت: یکی از آثار حوادث، شکاف بین ملت، مخدوش کردن وحدت ملی، خراش دادن اعتماد عمومی نسبت به نظام و کارآمدی آن بود تا جایی که رهبر انقلاب فرمودند: ما باید دقت کنیم که انتخابات مایه انشقاق نشود و این اتحاد ملی را دست کم نگیریم (بیانات در دیدار با نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری ۱۳۸۸/۳/۲۶). در این راستا یکی از نامزدهای ریاست جمهوری با طرح

مباحثی چون حاکمیت دروغ و استبداد، روند پرمخاطره، تزلزل ارکان نظام، تخلفات و کارشکنی‌ها و موضوع تقلب باعث رویارویی مردم مقابل یکدیگر در خیابانها شد که این خود زمینه سلب امنیت، اعتماد عمومی، همبستگی ملی و وحدت جمعی به عنوان مؤلفه‌های هویت‌بخش جمهوری اسلامی شد (بیانیه‌های یکم تا پنجم موسوی، ۲۱-۱۳۸۸/۳/۳۰).

ه) اتهام به نظام: اتهام خیانت به امانت و رأی مردم، اتهام جنایت و نقض حقوق شهروندان، اتهام تجاوز و شکنجه، نمونه‌هایی از اتهامات به نظام به حساب می‌آید؛ اتهاماتی که زمینه اعتماد عمومی و همبستگی‌های اجتماعی به عنوان مؤلفه‌های هویت‌ساز را از جامعه سلب کرد (بنگرید به اخوان، ۱۳۸۹: ۱۴۳-۱۸۱؛ بیانیه ششم موسوی، ۱۳۸۸/۳/۳۱).

و) تبدیل پیروزی به شکست (بحران مشروعیت): مشارکت ۸۵ درصدی مردم در انتخابات ریاست جمهوری دهم بزرگترین پیروزی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رفت؛ پیروزی که دشمن هر لحظه به دنبال زیر سؤال بردن آن بود و حوادث پس از انتخابات این امر را میسر کرد (اخوان، ۱۳۸۹: ۴۶)؛ حوادثی که به زعم حسین بشیریه به بحران انسجام و اتحاد دامن زد و بحران نهفته مشروعیت را واقعیت بخشید (بشیریه در مصاحبه با نشریه آلمانی لوگوس، بی‌تا). بزرگترین گناه و پیامد حوادث نیز همین بود که مشارکت بدین بزرگی را زیر سؤال برد (کوثری، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

ز) تحمیل هزینه‌های اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی: حوادث سال ۱۳۸۸ شک و تردیدها را در منابع خارجی برای اطمینان از سرمایه‌گذاری و حفظ سرمایه در جمهوری اسلامی افزایش داد و فرصت بزرگی را برای امریکا و متحدانش فراهم کرد که تحریم‌ها را تشدید کنند. با توجه به گزارش شهرداری تهران، خسارتهای این حوادث، بیش از ۳۲۴ هزار میلیارد تومان است. براساس گزارش وال استریت ژورنال^۱: تحریم‌های^۲ جدید امریکا که در حوادث ریاست جمهوری دوره دهم

1. Wall Street Journal

2. Boycott

ریشه داشت، علیه بانک مرکزی ایران در آن سال موجب کاهش ۵۵ درصدی ارزش ریال شد. این گزارش تصریح می‌کند تحریمها، بسیاری از شرکتهای خصوصی را از بین برد یا به حالت نیمه تعطیل درآورد (خبرگزاری مشرق، ۱۳۹۴: به نقل از گزارش شهرداری تهران و به نقل از وال استریت ژورنال).

ی) زیر سؤال بردن نهادهای قانونی با اقدامات غیر قانونی: در آستان انتخابات ریاست جمهوری دهم، اظهارات برخی از اشخاص و حتی نامزدها فضای سالم انتخابات را به سمت تردید و تشکیک سوق داد؛ اظهاراتی چون، "باید سلامت انتخابات به گونه‌ای برای مردم روشن شود تا با خیال راحت رای بدهند." از این رو تشکیل کمیته صیانت از آرا، گام مهمی در راستای زیر سؤال بردن قانون تلقی می‌شود (اخوان، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

از دیگر پیامد آشوبها، تخریب چهره نهادها و مراکز قانونی چون سپاه، بسیج، شورای نگهبان، ولایت فقیه و صدا و سیما بود. در پس پرده تخریب چهره این نهادهای انقلابی، اهدافی نظیر بی‌اعتماد کردن مردم به نهادهای انقلابی - قانونی و به انفعال کشاندن آنها بود. ک) ساختار شکنی و تردیدهای ذهنی: ایجاد تشویش و تردید نسبت به برخی آرمانهای اصیل انقلاب، اصول مسلم و متقن قانون اساسی یکی دیگر از پیامدهای این حوادث بود که الگوبخشی جمهوری اسلامی برای مستضعفان و آزادیخواهان به عنوان مؤلفه هویت‌بخش جمهوری اسلامی را زیر سؤال برد. "شعار نه غزه- نه لبنان"، در واقع مخالفت صریح با میثاق ملی و اصول مسلم آن بوده است. بند ۱۶ از اصل سوم بر تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان است.

۲-۴. آثار و پیامدها در بعد خارجی

حوادث پس از انتخابات ۱۳۸۸، پیامدهای بیرونی برای جمهوری اسلامی ایران داشت؛ پیامدهایی که امنیت هستی‌شناختی و وجودی انقلاب اسلامی را براساس برداشتهای خود و دیگران مورد تردید و تهدید قرار داد. برخی از این پیامدها به این شرح است:

الف) امیدوار شدن دشمنان به برخی جریانات داخلی و تغییر نظام: پس از حوادث دوره دهم ریاست جمهوری راهبرد تاکتیکی دشمن نسبت به جمهوری اسلامی تغییر کرد. لئون پانتا^۱ وزیر دفاع آمریکا می‌گوید: حمایت از این جریان راهبرد اصلی آمریکا علیه ایران است. به نظر می‌رسد دیر یا زود انقلابی در ایران به وقوع بپیوندد. آمریکا باید هر گام لازم را برای حمایت از جنبش سبز بردارد؛ جنبشی که خواهان تغییر و اصلاح است (امامی، ۱۳۹۱: خبرگزاری فارس). اوباما^۲ نیز در مصاحبه با شبکه سی‌بی‌اس گفت: صدای مردم ایران باید شنیده شود و نباید خاموش شود. ما در کنار کسانی که متوجه راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای این کشمکش خواهند بود، می‌ایستیم (اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۴۰۱).

ب) تغییر رفتار آمریکا و غرب در برابر ایران: کمترین دستاوردی که حوادث پس از انتخابات می‌توانست برای آمریکا داشته باشد، تغییر در رفتار سیاست خارجی با ایران بود. هیلاری کلینتون^۳ در مصاحبه‌ای گفت: دولت اوباما گفتگو با ایران را درباره مسئله هسته‌ای بدون توجه به اینکه چه کسی پیروز انتخابات است، پیش خواهد برد؛ اما ما منتظریم نتیجه روندهای داخلی ایران را هم ببینیم (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۹۱)؛ اما نتایج انتخابات و حوادث پس از آن تغییر رفتار آمریکا و متحدانش را در پی داشت.

ج) افزایش فشار و تشدید تحریمها: روزنامه وال‌استریت ژورنال به نقل از محسن مخلمباف، که خود را سخنگوی موسوی معرفی کرده بود در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۹ می‌نویسد: ما به تحریمهای اقتصادی، که فشار را بر ایران زیاده‌تر می‌کند، محتاجیم. ما می‌خواهیم اوباما بگوید او پشتیبان دموکراسی است. اگر چنین نگوید طرفداران خود را در ایران از دست خواهد داد (متن اصلی این مقاله را اینجا ببینید:

<http://www.wsj.com/news/articles/SB125865647765756061?mg=reno64wsj&url=http://3A.2F.2Fonline.wsj.com.2Farticle.2FSB125865647765756061.html>)

1. Leon Panetta
2. Barack Obama
3. Hillary Clinton

از این رو کنگره^۱ آمریکا چند روز پس از انتخابات، قطعنامه‌های شدیدالحنی بر ضد ایران و حمایت از آشوبگران صادر کرد و در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۸۸ (۳۰ جولای ۲۰۰۹)، مجلس سنای^۲ آمریکا، تحریم شرکتهای صادرکننده بنزین به ایران را تصویب کرد و تنها یک سال بعد از آن آمریکا با قطعنامه ۱۹۲۹ شدیدترین تحریمهای فلج‌کننده را علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال کرد. هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا در این باره می‌گوید: "اگر معترضان در ایران نیز مانند مردم لیبی از آمریکا درخواست کمک کنند، دولت آمریکا به کمک آنان می‌شتابد! (رک: روزنامه کیهان، ۷ آبان، ۱۳۹۲: ۲).

ه) تحركات ضد ایرانی کشورهای عربی: یکی دیگر از پیامدهای حوادث ۱۳۸۸، احیای دشمنی دیرینه سران عرب کشورهای حوزه خلیج فارس بود؛ لذا به شیوه‌های مختلف به حمایت‌های پنهان و آشکار از جریان حوادث پرداختند؛ همچون ادعای واهی در مورد جزایر سه‌گانه، که رویترز^۳ به نقل از وزیر خارجه امارت وضعیت جزایر سه‌گانه ایرانی را "اشغالی" توصیف کرد و روزنامه نیویورک تایمز^۴ در گزارشی از تشکیل یک گردان ۸۰۰ نفره از نیروهای خارجی برای امارات عربی به منظور دفاع از این شیخ‌نشین در برابر حملات خارجی و هم‌چنین اشغال جزایر سه‌گانه ایرانی خبر داد (امامی، ۱۳۹۱: خبرگزاری فارس).

و) نگرانی در حامیان و وفاداران انقلاب اسلامی: پیامد حوادث سال ۱۳۸۸ برای جریان مقاومت و موج بیداری اسلامی از دو دیدگاه مهم بود. نگرانی آنها از اینکه ام‌القرای جهان اسلام، درگیر بحران تمام‌عیاری شده است و افتخار ایران اسلامی و الهام‌بخشی آن، مردم سالاری دینی بود. تلاش جنبش‌های اسلامی منطقه برای سرنگونی دیکتاتورهای حاکم و جایگزینی الگوی مردم‌سالاری دینی در کشور خود بود؛ اما انتخابات ریاست جمهوری به چالش کشیده شد که بستری برای تحقق و تثبیت مردم‌سالاری دینی به‌شمار می‌رود (کوثری، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

1. Congress
2. Senate
3. Reuters
4. New York Times

این موارد پاره‌ای از پیامدهای حوادث پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ بود که به تهدید مؤلفه‌ها و بنیانهای هویت‌ساز جمهوری اسلامی در سطح فردی و ملی منجر شد.

۵. محدودیت و منازعات پایدار در امنیت هستی‌شناختی

محدودیت دو تن از نامزدهای انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری پس از گذشت نزدیک به هشت سال از انتخابات ۱۳۸۸ اکنون به منازعه‌ای پایدار بدل شده است که می‌توان پرسید که آینده این منازعه چگونه است. امنیت هستی‌شناختی در مورد چگونگی شرایط و پایان منازعات پایدار فرضیه‌پردازی می‌کند. از این رو گیدنز امنیت هستی‌شناختی را احساس ایمنی فرد می‌داند که شامل اعتماد و اطمینان پایه است و جلب این اطمینان را از پایه‌های ضروری تأمین امنیت هستی‌شناسانه می‌داند؛ در تعریف دیگری امنیت هستی‌شناختی را جلوگیری از تهدیدهای آینده می‌داند (Giddens, 1991:38).

پس می‌توان گفت در مسئله برخورد با برخی رهبران، عمده سیاست نظام تأمین امنیت هستی‌شناسانه است. از این رو نظام ۲۰ ماه پس از حوادث انتخابات ریاست جمهوری برای حفظ امنیت هستی‌شناختی خود با توجه به وضعیت بحرانی منطقه و تحرکهای دو تن از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری به محدودیت آنها اقدام کرد.

امنیت هستی‌شناختی، زمینه پایان مناقشات مستمر و مکرر را در عاداتهای جاری نهفته می‌داند به گونه‌ای که بر اثر تغییر و تحول این عاداتها و روشها، امکان پایان منازعه فراهم می‌شود. این تغییر و تحول در صورتی است که کشورها به فرایند عادی‌سازی و اعتماد پایه منعطف اولیه دست یابند. تحقق و تأمین این هدف، مستلزم اطمینان از هویت خود و اطمینان از سوی دیگری به معنای عدم احساس ناامنی هستی‌شناختی و هویتی است (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۱: ۳۹).

حوادث پس از انتخابات، روالهای عادی و نهادینه شده جامعه را با قانونگریزیها، اتهامات به نظام، حمله علیه نهادهای قانونی و تجمعات خیابانی پس از انتخابات مورد تهدید قرار داد که نتیجه آن تغییر در برداشتهای ثابت از جمهوری اسلامی از سوی دیگر کنشگران بین‌الملل و خدشه‌دار شدن اعتماد اساسی مردم شد؛ از این رو ادامه محدودیت تا

زمان تغییر روش کنونی یعنی بازگشت اعتماد اساسی، تغییر رویکرد محصوران به معنای بازگشت به نظام، مرزبندی با بعضی دولتهای حامی بحران ۱۳۸۸ و برقراری اعتماد اولیه بین نظام و محصوران است که از ملزومات تأمین امنیت هستی‌شناختی بدیهی به‌نظر می‌رسد؛ از این‌رو می‌توان گفت مناقشات پایدار تا زمان برقراری نظام اعتماد پایه اولیه ادامه خواهد داشت. برای برقراری نظام اعتماد پایه منعطف اولیه در مناقشه طرفین، اطمینان جمهوری اسلامی از هویت خود و عدم احساس ناامنی هویتی از سوی دیگری است. با توجه به این گفته‌ها مسئله اول در پایان مناقشه، احساس شرم رهبران فتنه از اقدامات گذشته است که باید به شکل عذرخواهی رسمی صورت بگیرد؛ اما مسئله دوم یعنی احساس ناامنی دوباره جمهوری اسلامی از سوی محصوران و تغییر روش کنونی است که جمهوری اسلامی باید به این اطمینان نیز برسد. عدم تحریک دوباره محصوران (عدم احساس ناامنی هویتی) و هم‌چنین از نظر استیل رویگردانی و عدم دنباله روی از افراد خطا کار، می‌تواند برای تغییر روش کنونی ضروری باشد. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران تا زمان تأمین این مهم‌ها، وضعیت فعلی را برای حفظ امنیت هستی‌شناختی خود ادامه دهد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به دنبال علل ناکامی حوادث پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری با رویکرد نظری امنیت هستی‌شناختی و هم‌چنین ارائه الگوی امنیت هستی‌شناختی به عنوان تضمین‌کننده بقای جمهوری اسلامی ایران بودیم. از این‌رو با تعریفی از امنیت هستی‌شناختی، تشریح مفهوم و ویژگیهای بحران و عوامل امنیت‌ساز هستی‌شناختی در رویکرد نظری گیدنز به تعریف هویت جمهوری اسلامی ایران با منابع هویت‌بخش آن پرداختیم. از این‌رو به عنوان اولین نتیجه پژوهش می‌توان حوادث سال ۱۳۸۸ را فتنه یا شبه بحران نامید. این حوادث با داشتن ویژگیهایی چون گستردگی، فشار زمانی و مختل کردن کارکرد بخشی از سامانه به وضعیت بحرانی تبدیل شد. هم‌چنین با دارا بودن ویژگیهایی چون تضعیف انسجام اجتماعی، بروز خشونت، دو قطبی شدن جامعه، ورود نیروها و دستگاه‌های امنیتی، طرح مسائل چالش‌برانگیز و نبود اعتماد بین

بازیگران، نوع بحران را امنیتی دانست. درباره منشأ بحران سال ۱۳۸۸ با رجوع به منشأ بحرانهای معاصر ایران، می‌توان منشأ این بحران را در آشوبهای نوین جهانی و تحولات ساختاری داخلی جست‌وجو کرد.

در تحلیل ناکامی حوادث سال ۱۳۸۸ در چهارچوب امنیت هستی‌شناختی رویکردهای جامعی از جمله تاریخی وجود دارد که می‌توان از آن به عنوان روایت بیوگرافیک معنا کرد. روایتی که جمهوری اسلامی ایران از خود دارد، تعریفهایی از خود و برداشتهای دیگران از جمهوری اسلامی ایران است که با مؤلفه‌های بنیادینی چون ایرانگرایی (تداوم تاریخ مشترک، زبان، اسطوره‌های مشترک و سرزمین مشترک) اسلامگرایی (یکتاپرستی، مودت قرآن و اهل‌بیت، ولایتمداری و مهدویت، ایثار، شهادت) و مدرنیته (ملی‌گرایی، وطن‌دوستی، مردم‌سالاری، همبستگی اقتصادی، فرهنگی و آموزشی) عجین، و باعث شکل‌گیری نظام اعتماد پایه قوی و مستحکمی شده است. این نظام اعتماد پایه، آرامش روانی و هویتی به جامعه ایرانی اعطا کرده و از سویی دیگر با وجود چنین نظام اعتماد پایه بنیادینی، امنیت وجودی جمهوری اسلامی فراهم شده است که پاسخ به همان پرسش‌های بنیادین است؛ اما هم نظام جمهوری اسلامی ایران و هم شهروندان آن، هیچ‌گونه تغییری در این برداشتهای ثابت را بر نمی‌تابند. وقوع انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات به دلیل درهم‌ریختگی فضا و زمان با پیدایش آشوبهای نوین جهانی زمینه چنین تغییراتی را فراهم می‌آورد. بحران سال ۱۳۸۸ که تحت تأثیر آشوبهای نوین جهانی بود به‌طور مسلم نظام اعتماد پایه بنیادین جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار داد؛ رخدادهایی مانند قانونگریزی، هتک حرمت به عاشورای حسینی، هتک حرمت به تمثال مبارک امام خمینی(ره)، اردوکشی‌های خیابانی، تشکیل کمیته صیانت از آراء، اتهام تقلب، تجاوز و شکنجه به نظام، زیر سوال بردن نهادهای انقلابی، خروج از حاکمیت و قانون، طرح مباحثی چون حاکمیت دروغ و استبداد و روند پر مخاطره، ترور شخصیتی دولت و حاکمیت، حمله به شهروندان و نیروهای انقلابی، طرح شعارهای نه غزه نه لبنان، به آتش کشیدن مساجد و پایگاه‌های بسیج و هتک حرمت به زنان با حجاب باعث تهدید مؤلفه‌های بنیادین هویتی چون ارزشهای دینی و آموزه‌های اعتقادی، اصل حاکمیت قانون،

اصل ولایت فقیه، اصل حمایت از مستضعفان، اصل مردم‌سالاری دینی، جوانمردی و فتوت، سلب امنیت عمومی و اعتماد اجتماعی، تضعیف نظام اقتصادی- فرهنگی، تضعیف انسجام و وحدت ملی شد. از این‌رو ترس از تغییر و تحول تعریف جمهوری اسلامی از خود و تغییر در برداشتهای ثابت از جمهوری اسلامی توسط دیگری، و هم‌چنین حفظ مؤلفه‌های هویت‌بخش که با ارزشهای اسلامی ایرانی عجین شده است باعث کنترل و مدیریت بحران و ناکامی حوادث سال ۱۳۸۸ شد؛ به‌طور مثال برداشت ثابتی که عموم دولتها از جمهوری اسلامی ایران دارند، حمایت از مستضعفان و مظلومان دنیاست. در سال ۱۳۸۸ با طرح شعارهایی چون نه غزه نه لبنان، این برداشتهای ثابت مورد تهدید قرار گرفت و امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی آشکارا دچار بحران شد و الگوی بخشی دیگر دولتهای مستضعف از جمهوری اسلامی با آشوبهای خیابانی مورد تردید قرار گرفت. ترس از این‌گونه تغییرات و ناامنی هستی‌شناختی باعث ناکامی حوادث سال ۱۳۸۸ شد. باید گفت احساس ناامنی هویتی جمهوری اسلامی ایران و شهروندانش در پی وقوع رخدادهایی چون هجمه به ارزشهای دینی، ولایت فقیه، هجمه به آرمانها و ارزشهای انقلاب اسلامی، هتک حرمت به نهادهای انقلابی، تضعیف همبستگی ملی در اردوکنشی‌های خیابانی، سلب امنیت عمومی از مردم، تضعیف اعتماد اجتماعی با طرح شایعات و خسارتهای زیانبار اقتصادی باعث دلهره و اضطراب اساسی در نظام جمهوری اسلامی و شهروندان آن شد که نتیجه این اضطراب و ترس، بازتولید و بازگشت به منابع هویت‌بخش جمهوری اسلامی ایران شد که نتیجه آن کنش‌های برخاسته از عزت و اقتدار جامعه ایرانی برای مقابله با جریان حوادث و ناکامی آنها شد و از این‌روست که می‌توان این الگو را در وضعیت‌های گوناگون برای بقای جمهوری اسلامی ایران ضروری دانست. اصل عزت در امنیت هستی‌شناختی بدین معناست که هر دولتی صاحب عزت است و دوست دارد بقیه نیز این عزت را بدانند و براساس آن رفتار کنند. این اصل همواره اصل امنیت‌ساز است. وقایع و حوادث سال ۱۳۸۸ به صورت تدریجی اصل عزت در جمهوری اسلامی را خدشه‌دار کرد که در مؤلفه‌های هویت‌بخش اسلامی- ایرانی ریشه دارد. کنش‌های برخاسته برای حفظ این عزت و نمایش اقتدار جمهوری اسلامی در عرصه

بین‌الملل و حفظ مؤلفه‌های هویت‌بخش در عرصه داخلی عامل مهم رویارویی و خنثی کردن حوادث و تهدیدهای هویتی برآمده از آنها شد.

یکی از ابعاد هویت ایرانیان، که مؤلفه بنیادین نظام اعتماد پایه را شکل می‌دهد، بعد فرهنگی هویت ایرانیان است که در ارزشها و اعتقادات دینی - مذهبی جامعه ایرانی ریشه دارد. هجمه به ارزشهای دینی عمق بحران را نشان داد و حوادث را از اختلافات گروهی به سمت اختلافات بنیادین ایدئولوژیک کشید. این‌گونه حوادث که تهدیدهای هویتی شاخصی نیز بود منجر به صحنه آوردن تمام جامعه نگران از هویت اسلامی ایرانی خود برای پایان بحران را فراهم کرد.

در بعد سیاسی ایرانیان دارای ارزشهایی چون بقا، عدالت، مقاومت در برابر ظالم، مهدویت، حکومت جهانی و عدم دخالت بیگانگان در کشور هستند. این مؤلفه‌های هویت‌بخش در عرصه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران نمود پیدا می‌کند. حضور و دخالت هر چند لفظی بیگانگان در جریان فتنه و بحران سال ۱۳۸۸ برای جمهوری اسلامی ناخوشایند بود؛ چرا که عظمت گذشته و تمدن ایرانیان با استکبارستیزی و بقا برای حکومت جهانی عجین شده است. دخالت بیگانگان، این اصول هویت‌بخش را مورد تهدید جدی قرار می‌داد و باعث شکل‌گیری جبهه متحدی علیه دخالت بیگانگان شد.

یکی از اصول مسلم نظام اعتماد پایه و اطمینان‌بخش در جامعه ایران، اصل حاکمیت قانون است. فتنه ۱۳۸۸ این اصل مهم را مورد هدف خود قرار داده بود. قانونگریزها در قالب تجمعات خیابانی باعث صدمه‌های اقتصادی، روانی و تضعیف همبستگی‌های اجتماعی شد. تلاش جمهوری اسلامی ایران برای حفظ و اصالت حاکمیت قانون یکی دیگر از عوامل ناکامی حوادث پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری است. پس می‌توان گفت در تحلیل ناکامی و مدیریت بحران سال ۱۳۸۸ آنچه مشهود است، تهدید نظام اعتماد پایه جمهوری اسلامی ایران که شامل ارزشهای اسلامی و ایرانی است و ترس از تغییر و تحول این مؤلفه‌ها و ارزشها، باعث فروکش کردن صحنه حوادث شد. به نظر می‌رسد دولت و تمام نهادهای امنیتی و فرهنگی برای رویارویی با چنین وضعیت‌های

تهدیدزایی باید مدام نظام اعتماد پایه جمهوری اسلامی ایران را براساس باورها، ارزشها، اعتقادات و اصول متقن قانون اساسی به شیوه‌ها و روشهای گوناگون بازتولید کنند و دیگران نیز این را بشناسند تا در مواقع وضعیت‌های تهدیدزا همچون سدی محکم در مقابل تهدیدهای ناامنی هستی‌شناختی عمل کنند تا باعث حفظ هویت وجودی جمهوری اسلامی ایران و شهروندان آن باشند.

منابع

۱. ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۷). مؤلفه‌های هویت ملی با رویکرد پژوهشی. **فصلنامه سیاست**. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. دوره ۳۸. ش ۴.
 ۲. اشرافی، مرتضی (۱۳۹۴). بررسی زمینه‌ها، علل و امکان وقوع انقلاب رنگی در ایران. **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**. س دوازدهم. ش ۴۰.
 ۳. امیری، عبدالرضا (۱۳۹۱). مطالعه فرایند و متغیرهای مؤثر بر امنیتی شدن بحرانهای اجتماعی ایران. **فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی**. س هفتم. ش ۲.
 ۴. امامی، احمد. آثار و پیامدهای فتنه ۸۸ در داخل و خارج کشور. (۱۳۹۱/۱۰/۹). خبرگزاری فارس.
- <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=1391100200057>. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۸/۲۵.
۵. احمدی، بابک (۱۳۷۷). **مدرنیته و نقش انتقادی**. تهران: نشر مرکز.
 ۶. احمدی، حمید و دیگران (۱۳۸۳). **ایران: هویت، ملیت، قومیت**. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
 ۷. آشنا، حسام‌الدین؛ روحانی، محمدرضا (۱۳۸۹). **هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی**. **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. دوره سوم. ش ۴.
 ۸. بیگلری، محمد (۱۳۸۸). **بررسی تطبیقی برخی شاخصهای جنگ نرم با اهداف جنبش سبز**. **فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی**. ش ۵.
 ۹. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). **مدیریت بحران**. تهران: فرهنگ گفتمان.
 ۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). **مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی**. تهران: انتشارات سمت.
 ۱۱. حسینی، سیدحسین (۱۳۸۵). **بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود**. **فصلنامه امنیت**. س پنجم. ش ۱ و ۲.

۱۲. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸). هویت ملی ایرانیان، مبانی و مؤلفه‌ها. فصلنامه پژوهشنامه مرکز تحقیقات استراتژیک. ش ۴۹.
۱۳. خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸). روش تحقیق با رویکرد پایان‌نامه‌نویسی. تهران: مرکز تحقیقات علمی کشور با همکاری کانون فرهنگی انتشاراتی درایت.
۱۴. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور. ج ۱۷. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. خمینی، روح‌الله (۱۳۵۷). صحیفه نور. ج ۶. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸). بیانات در دیدار با نمایندگان نامزدهای انتخابات دور دهم ریاست جمهوری. ۱۳۸۸/۳/۲۶. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7181>. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۸/۲۵.
۱۷. دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال؛ وهاب‌پور، پیمان (۱۳۹۱). امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۸. دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال؛ نوری، وحید (۱۳۹۱). امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی دوران اصول‌گرایی. فصلنامه مطالعات راهبردی. س پانزدهم. ش سوم. ش مسلسل ۵۷.
۱۹. دوئرتی، جیمز و فالتزگراف (۱۳۷۲). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: نشر قومس.
۲۰. رستمی، فرزاد؛ غلامی‌حسن‌آبادی، مسلم (۱۳۹۴). امنیت هستی‌شناختی و استمرار مناقشه هسته‌ای ایران و غرب. فصلنامه سیاست جهانی. دوره چهارم. ش ۱.
۲۱. ربیعی، علی (۱۳۸۶). بحرانهای اجتماعی ایران امروز. مجله جامعه‌شناسی ایران. س هشتم. ش ۳.
۲۲. ربیعی، علی (۱۳۸۷). رسانه‌های نوین و بحران هویت. فصلنامه مطالعات ملی. س نهم. ش ۴.

۲۳. رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲). مشکله هویت ایرانیان عصر امروز؛ ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ. تهران: نشر نی.
۲۴. روح‌الامینی، محمود و دیگران (۱۳۷۹). میزگرد فرهنگ و هویت ایرانی فرصتها و چالش‌ها. فصلنامه مطالعات ملی. ش ۴.
۲۵. زرگوش‌نسب، عبدالجبار (۱۳۸۹). شورشیان سبز بین بغی و محاربه. فصلنامه معرفت. س نوزدهم. ش ۱۵۳.
۲۶. روزنا، جیمز (۱۳۸۲). جهان آشوب‌زده. ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۷. شیرودی، مرتضی (۱۳۸۸). جنبش اجتماعی یا انقلاب مخملی: مروری بر رخداد‌های پس از انتخابات. ش ۹۸.
۲۸. شیرودی، مرتضی (۱۳۸۹). کاربرد الگوی جنبش اجتماعی انقلاب رنگی و فرارنگی در تحلیل حوادث پس از انتخابات دور دهم ریاست جمهوری. فصلنامه معرفت. س نوزدهم. ش ۱۵۳.
۲۹. شیخاوندی، داور (۱۳۸۰). ناسیونالیسم و هویت ایرانی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۳۰. شریعتمداری، حسین (۱۳۹۰). خدا سایه کلینتون را کم نکند. روزنامه کیهان. ۱۳۹۰/۸/۷.
۳۱. طاهری، ابوالقاسم؛ کریمی‌فرد، حسین (۱۳۹۱). هویت ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل. دوره ۵. ش ۱۸.
۳۲. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۱). بنیادهای علم سیاست. چ نهم. تهران: نشر نی.
۳۳. عشقی، لیلی (۱۳۷۹). زمانی غیر زمانها، امام، شیعه و ایران. ترجمه احمد نقیب‌زاده. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۳۴. فضائی، مهدی. چرایی و چگونگی حصر سران فتنه. خبرگزاری فارس ۱۳۹۳/۱۰/۷. <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13931007000960>. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۹/۹.

۳۵. کوثری، محمدمهدی (۱۳۹۴). نقشه راه؛ ۸۸ قطعه از بیانات رهبری درباره نقش بصیرت در فتنه. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۶. کردوانی، پرویز (۱۳۸۲). نقش عوامل طبیعی در زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم ایران. فصلنامه پژوهش فرهنگی. دوره ۸، ش ۸.
۳۷. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ و هویت. تهران: نشر نی.
۳۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه علیرضا موفقیان. چ دهم. تهران: نشر نی.
۳۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
۴۰. گره‌ارت، مازور (۱۳۶۷). بحران چیست و چه وقت بروز می‌کند. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. کیهان فرهنگی. ش ۵۱.
۴۱. گروه سیاسی مشرق. آثار و تبعات ده‌گانه فتنه ۸۸ بر جمهوری اسلامی ایران. سایت مشرق نیوز. <https://www.mashreghnews.ir>. ۱۳۹۴/۹/۹. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۸/۲۵.
۴۲. مک‌کارتی، شاوون (۱۳۸۱). نقش اطلاعات در مدیریت بحران. ترجمه محمدرضا تاجیک. تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک.
۴۳. مشتاقی، الله‌کرم. بررسی بیانیه‌های ۱۸ گانه میرحسین موسوی در فتنه ۸۸. شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا ۱۳۹۵/۱۰/۹. <http://www.dana.ir>. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۹/۱.
۴۴. ناظمی، مهدی؛ سراج، رضا؛ سلیمانی، محمد (۱۳۹۵). نقش بسیج دانشجویی در مدیریت بحرانهای سیاسی (مطالعه موردی انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری). فصلنامه مدیریت بحران. س ۸، ش ۲۸.
۴۵. نودزی، حسین علی (۱۳۸۴). بحرانها و تهدیدهای اجتماعی؛ تحلیل پارادیمی در خصوص رویکردها، برداشت‌ها و نظریه‌های جدید، پیرامون مفهوم بحران. فصلنامه رفاه اجتماعی. دوره ۴، ش ۱۶.
۴۶. نفیسی، رسول (۱۳۷۹). فرهنگ سیاسی و هویت ملی. فصلنامه مطالعات ملی. ش ۵.

۴۷. نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۹). نشانونراه‌های جمهوری اسلامی ایران. دو فصلنامه معرفت سیاسی. س دوم. ش ۳.

۴۸. واعظی، منصور. انتشار متن کامل سند ملی مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان برای نخستین بار. خبرگزاری فارس ۸۷/۳/۲۱
. ۱۳۹۶/۸/۲۰

۴۹. هرسیچ، حسین؛ تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹). تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. س ۳. ش ۱ (پیاپی ۹).

۵۰. یوسفی، علی (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران. فصلنامه مطالعات ملی. س دوم. ش ۴ (پیاپی ۸).

1. Catarina, Kinnvall(2004), «Globalization and Religious Nationalism: Self, Identity, and the Search for Ontological Security, Political Psychology, Vol. 25, No. 5 (Oct., 2004), pp. 741-767 International Society of Political Psychology.
2. Giddens, Antony (1984), The nation state and violence, Berkeley, CA: University of California Press.
3. Giddens, Antony (1990),The consequences of modernity. Stanford, CA: Stanford University Press.
4. Giddens, Antony (1991), Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age, Cambridge: polity.
5. Holsti ,Ole R (1972), Crisis, Escalation ,War, Montreal ,Mc Gill, Queens University Press.
6. Habermas, Jurgen (1996), Theory and Practice.trans,by Jhon Viertel, Cambridge: Polity Press. –
7. Hopf, Ted (2010); «The logic of habit in International Relations « , European Journal ofInternational Relations, Vol.16, No.4: 539-56.
8. Habermas, Jurgen (1996), Theory and Practice, tr. By John Viertel ,Cambridge:Polity Press.
9. Johens,m.,schmader,b(2005), Ashamed To Be An American? The Role Of Identification in Predicting Vicarious Shame For Anti-Arab, Prejudice: Princeton Univercity Press.

10. Mitzen, Jennifer (2004); Ontological Security in World Politics and Implications for the, Study of European Security, Accessible at: <http://www.sv.uio.no/arena/english/research/projects/cidel/old/WorkshpOsloSecurity/Mitzen.pdf>.
11. Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security «- Mitzen, Jennifer (2006), Dilemma", European Journal of International Relations, Vol. 12, No. 3: 341-370.
12. Mautner, Thomas (1996), A Dictionary of Philosophy, Cambridge: Blackwell Outhwaite, W. & T.B. Bottomore (eds). (1993), The Blackwell Dictionary of Twentieth Century Social Thought, Oxford & Cambridge: Blackwell.
13. Steel, b, (2005), « Ontological Security and the Power of Self-Identity: British Neutrality and the American Civil War Review of International Studies» , Vol. 31, No. 3 (Jul., 2005), pp. 519-540
14. Steele, Brent, J (2008), Ideals were really never in our possession; torture, honor and us: Identity; International Relation, Available at: www.sagepublications.com.
15. Sigel, r, (1984), Political learning in adulthood , chicago: university of chicago prees.
16. [http://www.wsj.com/news/articles/SB125865647765756061?mg=reno64wsj&url=http-، 3A. 2F. 2Fonline .wsj.com 2Farticle. 2FSB125865647765756061.html.](http://www.wsj.com/news/articles/SB125865647765756061?mg=reno64wsj&url=http%3A%2F%2Fonline.wsj.com%2Farticle%2FSB125865647765756061.html))